



## بررسی نگاره بارگاه کیومرث از منظر جامعه‌شناسی (مطالعه موردی شاهنامه ابراهیم سلطان، تیموریان)

حمیده حیدری<sup>۱</sup>، علی جهانتیغ<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، استان سیستان و بلوچستان

۲- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، مدرس دانشگاه فرهنگیان، استان سیستان و بلوچستان

### چکیده

از ارکان پایه زندگی اجتماعی بشر هنر بوده که همواره در زندگی اجتماعی بشر حضور مستمر داشته، بخش جامع یک اثر هنری متأثر از شرایط جو حاکم بر جامعه موجود بوده که جامعه‌شناسی هنر این مفهوم را مدنظر قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی هنر از علوم جدید و نوپا هست که تلاش دارد ضمن بررسی عوامل متعدد در جوامع به تأثیر این عوامل بر روی آثار هنری پرداخته و آن‌ها را مورد تحلیل قرار دهد. بررسی یک اثر هنری در اعصار مختلف جهت پیدا کردن معانی پنهان آن اثر و چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن به ارزش آثار هنری در اعصار مختلف می‌پردازد. تحقیق موردنظر از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که ضمن بررسی جامعه‌شناختی دوره تیموری، نگاره بارگاه کیومرث در شاهنامه ابراهیم سلطان را از منظر فرمی، وجود اسطوره کیومرث را در این نگاره از منظر جامعه‌شناسی موردبررسی قرار دهد. حاکمان تیموری از طریق هنر، سعی در کسب موقعیت و اعتبار فرهنگی جهت رسیدن به قدرت، توانایی و تسلط بیشتر بوده و با توسعه این سیاست حقانیت حکومت خود را در سرزمین‌هایی چون ایران افزایش می‌دادند. ابراهیم سلطان با ایجاد مکان‌های فرهنگی بسیار باعث تغییرات عمده‌ای در رویکردهای فرهنگی آن زمان شد. از جمله نسخ مصور شاهنامه که در کارگاه‌های آن دوره ترسیم شد، شاهنامه منصوب به ابراهیم سلطان هست. بارگاه کیومرث یکی از نگارهای آن شاهنامه است که نگارگر تلاش نموده تا از طریق رنگ و نمادها در عین سادگی به بحث اسطوره‌ای بودن و بدوی بودن کیومرث در آن بپردازد. ما با بررسی این شاهنامه به این نتایج می‌رسیم نگارگران و هنرمندان در دوره حاکمیت ابراهیم سلطان در راستای شرایط خاص جامعه بر اساس تصورات ذهنی خود به ترسیم اسطوره‌ها و حماسه‌های ایران باستان جهت تحقق اهداف حاکمان می‌پرداختند. وجود گرایش‌های دینی حاکم در آن دوره بر روند اجرایی نگاره‌های اسطوره‌ای تأثیرگذار بوده است.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی هنر، شاهنامه ابراهیم سلطان، کیومرث، بارگاه کیومرث



## مقدمه

هنر را میتوان از ارکان پایه زندگی بشر دانست و شرایط موجود هر جامعه تاثیر گذار بر روند اجرایی شدن آثار هنری دارد که جامعه‌شناسی هنر این مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد. علم جامعه‌شناسی هنر در عصر جدید یکی از شاخه‌های نظری اجتماعی هست و از اهداف آن شناخت جامعه‌ای است که اثر در آن به وجود آمده و بازنمای جامعه است. بررسی یک اثر هنری در اعصار مختلف جهت پیدا کردن معانی پیدا و پنهان آن اثر و چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن از طریق علم جامعه‌شناسی ممکن می‌شود. وجود اسطوره‌ها و قهرمانان حماسی در شاهنامه به بینش، باور و دیدگاه مردم بستگی دارد و اساطیر مبتنی بر تخیل، رمز و شخصیت‌های فوق انسانی می‌باشند و به این دلیل با عناصر فرهنگی و تمدن آن جامعه ارتباطی تنگاتنگ و نقش محوری دارند. از آنجا که اسطوره‌ها یکی از ارکان پایه فرهنگ در جامعه را به خود اختصاص می‌دهند وجود آن‌ها در اثر هنری نمودی از عملکرد آن جامعه است. حضور این اساطیر در آثار هنری دلیلی بر غنای آن اثر است. لذا شناخت کارکردی و نمود آن‌ها در جامعه مشخص حائز اهمیت هست. این تأثیرپذیری را می‌توان در دروان حکومت تیموریان در ترسیم نگاره‌های اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی دید. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش‌هایی جزئی در خصوص بررسی نگاره‌ها از منظر جامعه‌شناسی هنر انجام شده است که به شرح ذیل هست: ناز بانو ترکشوند در سای ۸۸ مقاله‌ای به‌عنوان اثر هنری و رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر و مطالعه موردی نگاره بهرام گور در قصر هفت گنبد دارند که در مجله نشریه هنرهای زیبا شماره ۴۰ به چاپ رسیده، بر اساس تحقیق صورت گرفته که نگاره را از لحاظ فضای معماری و علم نجوم جامعه مورد نظر تحلیل نموده و نتیجه گرفتند آثار هنری طبق نظریه بازتاب ما را در شناخت بهتر جامعه کمک می‌کند و همچنین در خصوص بررسی آثار هنری در دوره و تاریخ مربوطه از منظر جامعه‌شناسی می‌توان به رساله پایان‌نامه محسن دیلمی صالح در سال ۱۳۹۰ با عنوان هنر و جامعه در دوران سلطنت حسین بایقرا اشاره کرد که ایشان نتیجه‌گیری نمود رونق اقتصادی و گسترش تفکرات عرفانی و مذهبی باعث شکوفایی هنرها در این دوره بوده است. سیده زهرا ولایی در سال ۱۳۹۵ با عنوان پژوهش بررسی جامعه‌شناسانه رابطه میان مخاطب و اثر هنری معاصر (مورد مطالعه آئینش کاپور) به نتایج مبنی بر اینکه هنر شهری سریع‌ترین و مؤثرترین ابزار ایجاد ارتباط میان مخاطب و اثر هنری معاصر و همچنین بالا بردن سطح فرهنگی جامعه است را بیان داشته‌اند. غلامرضا اسپنانی سال ۱۳۹۳ در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود به تأثیرات عوامل اجتماعی دوره صفوی بر آثار نقاشی سیاوش بیک گرجی پرداخته است و نقاشی‌های هنرمند را متأثر از عقاید فرقه‌های آن دوره می‌داند و همچنین سیما باقر زاده در سال ۱۳۹۵ پژوهشی در خصوص مطالعه تطبیقی - تحلیلی آثار کته کلویس و نیلوفر قادری نژاد از منظر جامعه‌شناسی هنر ارائه و بررسی پیوند محتوا و فرم در نقاشی‌ها و آثار تجسمی با تحولات اجتماعی دو کشور آلمان و ایران را مورد تحلیل قرارداد. اکرم نجفی پور به همراه فریده طالب پور در سال ۱۳۹۹ مقاله‌ای با عنوان تبیین جایگاه اجتماعی هنرمندان عصر صفوی بر اساس آراء آرنولد هاووزر در نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا شماره ۸۲ دارند و



بیان داشتن مواردی که هاووزر در شکل گیری و تغییر وضعیت هنرمند مؤثر می داند را به طور کلی می توان با جامعه صفوی انطباق داد. هنرمند دوره صفوی از استعداد و نبوغ ذاتی خویش آگاه بوده و این خودآگاهی، اعتبار، احترام، شهرت و ثروت را برای هنرمند به ارمغان می آورد.

با توجه به وجود نگاره های متفاوت از بارگاه کیومرث در نسخ خطی شاهنامه دوره تیموری بخصوص شاهنامه سلطان ابراهیم می توان به این نکته پی برد که نگارگران مکتب شیراز در نگارگری شاهنامه ها از تصویرگری اسطوره های ایران باستان بهره برده اند و همچنین وجود گرایش های دینی حاکم در دوران سلطنت سلطان ابراهیم بر روند اجرایی نگاره های اسطوره ای تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا ابتدا شرایط اجتماعی و هنری عصر دوره ابراهیم سلطان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و ضمن بررسی نگاره بارگاه کیومرث شاهنامه ابراهیم سلطان از لحاظ فرمی اسطوره ای بودن کیومرث را در نگاره مورد کنکاش قرار دهیم.

### روش تحقیق

روش انجام پژوهش توصیفی و تحلیلی با رویکرد جامعه شناسانه هست و در انجام تحقیق از شیوه کتابخانه ای و همچنین استفاده از کتب و مقالات معتبر بهره گرفته شده است.

### جامعه شناسی هنر

آثار هنری را می توان از دیدگاه های مختلف مورد تحلیل قرارداد و یکی از این منظرها جامع شناسی هست. آغاز علم جامعه شناسی به اعتقاد برخی از اندیشمندان به دوران یونان باستان، ارسطو و افلاطون می رسد؛ اما آگوست کنت جامعه شناسی را برای این علم انتخاب نمود و پایه گذار این علم نامیده شد. از مهم ترین شاخه های آن جامعه شناسی شناخت هست که به شناخت انسان از خود و جهان پیرامون او می پردازد. «جامعه شناسی شناخت را می توان به دانش بررسی مناسبات دیالکتیکی بین انواع گوناگون شناخت ها و نظام های مختلف معارف و اقسام جریان ها و وقایع اجتماعی و اشکال متعدد طبقات، گروه ها، سازمان ها و نهادها در جامعه تعریف کرد» (آشتیانی، ۱۳۸۳). جامعه شناسی هنر نیز به عنوان یکی از شاخه های علم جامعه شناسی شناخت تقسیم می گردد با توجه به اینکه جامعه شناسی معرفت به ارتباط معرفت و جامعه می پردازد. جامعه شناسی هنر در جهت بررسی و ارتباطات مناسب نسبت به هنر و جامعه است. «جامعه شناسی هنر علمی نورسته است که بستگی های متقابل هنر و دیگر مظاهر زندگی اجتماعی را سامان می بخشد» (آریا پور، ۱۳۸۱).

در بررسی یک اثر هنری در اعصار مختلف جهت پیدا کردن معانی پیدا و پنهان آن اثر و چگونگی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن از طریق شناخت این علم ممکن می شود. «در جامعه شناسی هنر دو دیدگاه کلی وجود دارد. بررسی هنر به شیوه توصیفی: در این شیوه مطالعه به بررسی صوری هنر محدود می شود. از این دیدگاه جامعه شناسی نباید قدم در محدوده



محتوی آثار بگذارند. عمده مطالبی که در این شیوه مطرح می‌شود، بررسی هنرمندان به‌عنوان یک گروه اجتماعی، مطالعه مخاطبان هنر و به‌طور خلاصه هرگونه مطالعه‌ای را که بدون در نظر گرفتن چارچوب اجتماعی و تأثیر آن بر هنر صورت می‌گیرد، مطالعه هنر به شیوه توصیفی است. بررسی هنر به شیوه علی: در این شیوه نخست این سؤال مطرح می‌شود که هنرها چرا و چگونه به وجود آمده‌اند. از دو جنبه تاریخی و جامعه‌شناختی می‌توان به این موضوع نگاه کرد. که اگر از جنبه تاریخی بدان نگریده شود در پاسخ به خاستگاه اجتماعی هنر و اگر از جنبه جامعه‌شناسی بدان نگریده شود به علیت اجتماعی به‌طور خاص خواهیم رسید. مطالعه توصیفی به‌عنوان ماده خام برای مطالعه علی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این دیدگاه جامعه‌شناسی هنر به قلمرو کلی جامعه‌شناسی شناخت وارد می‌شود» (اسپانی، ۱۳۹۳). می‌توان گفت هر آنچه در آثار هنری نمود دارد برگرفته شده از وجودیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ و دین و مذهب جامعه مذکور هست که این خود باعث اعتبار و غنای یک اثر هنری می‌شود و همان رویکرد بازتاب آثار هنری هست که بر اساس این رویکرد «هنر همانند آینه‌ای جامعه معاصر خود را بازتاب می‌نماید و محتویات هنرها از ارزش‌ها و اعتقادات جریان‌های موجود در جامعه‌ای که هنر در آن به وجود آمده نشأت می‌گیرد» (ترکاشوند، ۱۳۸۸).

### جامعه دوره تیموری

تیمور و لشکریانش حدود صد و پنجاه سال پیش کشور را مورد حمله و هجوم قرار دادند و خرابی‌های زیادی بار آوردند و تیمور تا سال ۸۰۲ ق. تمام ایران و بخش‌های گسترده‌ای از آسیای صغیر، عراق، هندوستان و دو هزار مایلی مسکو را تصرف و به زیر سلطه خود در آورده بود. کمک‌های مالی که به هنرمندان و نویسندگان می‌شد بقای فرهنگی در این دوران بود. در واقع سیاست‌های فرهنگی تیمور با سیاست‌های سیاسی و نظامی‌اش پیوستگی داشت و به حاکمان ایالاتی که زیر سلطه خود می‌آورد این امکان را می‌داد تا با بیعت کردن با او از تخریب و کشتار جلوگیری کنند. در صورت مخالفت حکام، دستور قتل عام مردم را می‌داد. کودکان و شهروندان مسن، هنرمندان و استادکاران را مجزا می‌نمود و هنرمندان را به پایتخت تیمور، یعنی سمرقند می‌فرستاد و در اجرای برنامه‌های فرهنگی مشغول می‌شدند. «بعد از وفات تیمور در سال ۸۰۷ ق/ ۱۴۰۴ م. بین ورثه او نزاع در گرفت و در آخر کار، چهارمین پسر او شاهرخ توانست خویشان و نزدیکان خود را وادار کند تا حکومت او را تصدیق کنند. دولت شاهرخ در نتیجه کفایت و کاردانی او مدت‌ها دوام یافت و دربار و جانشینانش از بهترین مراکز علم و ادب و هنر شد و در اثر شایستگی او و فرزندان او دوره‌ی درخشان دیگری در تاریخ تمدن ایران به وجود آمد» (افراسیابی و علیزاده، ۱۳۹۳). «سه پسر شاهرخ به نام‌های بایسنقر، ابراهیم سلطان و الغیگ نیز به ترتیب کارگاه‌های خود را در هرات، شیراز و سمرقند بر پا کردند. ولی پیش از این‌ها، نواده دیگر تیمور به نام اسکندر سلطان برجسته‌ترین هنرمندان زمان را در شیراز گرد آورد و به یاری آنان بود که گام نخست در تحول کتاب‌نگاری عهد تیمور برداشته شد» (پاکباز، ۱۳۸۷).



درگیری اسکندر سلطان با شاهرخ تیموری به سرنگونی او انجامید و باعث شد تا ابراهیم سلطان توسط پدرش شاهرخ در سال ۸۱۷ هجری قمری به سلطنت برسد. او مدت ۲۱ سال در فارس و شیراز فرمانروایی کرد. ابراهیم سلطان تلاش نمود تا بخش اعظم زندگی خود را به فرهنگ و هنر پردازد. اگرچه زمانی که او در شیراز به حکومت فارس منصوب شد بسیاری از چهره‌های شاخص و هنرمندان رشته‌های گوناگون که در خدمت حاکم قبلی شیراز، اسکندر سلطان بودند، توسط شاهرخ به هرات کوچانده شدند اما ابراهیم سلطان با توجه به نبوغ ذاتی خود علاقه‌مندی به رشته‌های مختلف هنری تلاش خود را بر دایر کردن کانونی هنری متمرکز ساخت. شاهان تیموری جهت «در عهد سلطنت آن شاهزاده‌ی سرافراز، دارا لعلم شیراز مصر (شهر) جامع دانشمندان و هنروان جهان گردید» (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹). «ابراهیم سلطان به‌وفور مکارم اخلاق و محاسن آداب و تربیت اهل فضل و هنر و رعایت هنرمندان دانشور از سایر سلاطین دودمان صاحبقران ظفر قرین امتیاز تمام داشت» (مچکلو، ۱۳۹۷). «شاهزاده والامقام در روزگار جوانی و در عهد کامرانی در سال ۸۳۸ ه. ق برابر عارضه چندروزه، رخت از دنیا بست. پس از مرگ وی فرزند بزرگش میرزا عبدالله را که کم سن و سال بود بر تخت سلطنت فارس به‌جای پدر، نشاندند» (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹). «دوره‌ی تیموری به‌راستی از جهت کثرت امیرزادگان فاضل و هنرپرور و شاعرنواز، در ادوار ادبی ایران، دوره‌ی کم‌نظیری است» (میر جعفری، ۱۳۷۹). اعضای خاندان سلطنتی، نظامیان، دیوانیان، روحانیان و عامه مردم (زارعان و پیشه‌وران) پنج گروه جامعه عصر تیموریان بودند. علاقه و اشتغال به صنعت و هنر در بین همه طبقات مذکور دیده می‌شود ولی هنرمندان طبقه عامه از فراوانی بیشتری نسبت به بقیه برخوردار بودند. هنرهای خطاطی، خوشنویسی، نقاشی، موسیقی صحافی و معماری در بین هنرمندان عامه بیشتر دیده می‌شد. «نیاز و توجه دولت و حامیان حکومتی به این دسته از هنرها، وجود نهادهایی نظیر کارگاه‌ها و کتابخانه‌های سلطنتی برای پرورش این هنرها و کاربردی بودن آن‌ها در جامعه را می‌توان از جمله دلایل این توجه ذکر نمود» (سمایی و همکاران، ۱۳۹۵). «صنعتگران و هنرمندان بازاری - درباری گروهی بودند که هم در دربار سلاطین خدمت می‌کردند و هم در بازار به فعالیت مشغول و خدمت به مردم می‌کردند» (آژند، ۱۳۸۷). شیوه هنری تیموریان که از طریق فعالیت‌های عظیم فرهنگی حمایت و تقویت می‌گشت کاملاً با تمایلات و موقعیت سیاسی حاکمان تیموری که شامل حاکمان ترکمنی هم می‌شدند برای تبدیل دربارشان به مکانی فرهنگی از طریق فعالیت‌های ادبی می‌کوشیدند به‌واسطه حمایت وسیع و گسترده آنان از هنر که خود نشانی از قدرت و منزلت بود دربارشان موقعیت و اعتبار فرهنگی لازم را کسب کرد نتیجه این اعتبار فرهنگی رسیدن به قدرت توانایی و تسلط بیشتر بود و با توسعه این سیاست آنان حقانیت حکومت خود را در سرزمین‌هایی چون ایران افزایش می‌دادند (شایسته فر، ۱۳۷۹). روح مذهبی در دوران تیموری بر کلیه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سایه انداخته بود. تعصب یا تظاهر سلاطین تیموری در دین‌داری باعث فزونی یافتن حرمت سادات و علما در جامعه شده بود. «دستاویز قرار دادن دین برای انجام فتوحات به‌ویژه در دوره تیمور، مداومت سلاطین بر زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ، برگزاری مجالس دینی و مباحثات کلامی و شرعی،



تعمیر بقاع متبرکه، فزونی یافتن روند ساخت ابنیه مذهبی، ترویج و گسترش علوم دینی، ظهور نهضت‌های مذهبی شیعی - صوفی، همگی بیانگر تسلط دین و مذهب بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در این دوره است» (سمایی و همکاران، ۱۳۹۵). حاکمان تیموری با نشان دادن به تمایلات فرهنگی و هنری که نشان قدرت و منزلت بود به دربارشان موقعیت سیاسی و اعتبار فرهنگی لازم را می‌دادند. نتیجه این اعتبار فرهنگی رسیدن به قدرت توانایی و تسلط بیشتر بود و با توسعه این سیاست آنان حقانیت حکومت خود را در سرزمین‌هایی چون ایران افزایش می‌دادند.

### اسطوره و حماسه

در زبان اروپایی به اسطوره (Myth) گفته می‌شود و در تعریف لغتی به معنای روایت، سخن و تاریخ هم‌ریشه است. لذا با لغات (Story) در انگلیسی و (Mouth) در یونانی یک ریشه دارد. در زبان مرسوم قرن نوزدهم به هر آنچه با واقعیت تضاد داشت اسطوره اطلاق می‌شد (الیاده، ۱۳۸۲). از سده نوزدهم میلادی، اسطوره‌ها را خیال‌بافی شاعرانه می‌دانستند. این در حالی است که انسان‌های ابتدایی میان افسانه و اسطوره تفاوت و مرز قائل بودند و اسطوره را حقیقی و افسانه را غیرحقیقی می‌دانستند. «موجودات اساطیری طبیعی نیستند؛ ملهم از طبیعت‌اند؛ اما فرا طبیعی‌اند؛ همچون ایزد باد، طوفان و ... پس هر اسطوره راوی سرگذشتی حقیقی است هر چند با تجربه‌ای عادی سازگار نباشد» (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷). «اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی ماست، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه‌چیز رخ داده است. اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می‌گوید چگونه یک چیز به وجود آمده است، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است» (طحان، ۱۳۷۵). مالدینوفسکی افسانه را به صورت بیان باورهای جامعه می‌بیند و الیاده بر این باور است که میتولوژی هر جامعه‌ای، الگوهای رفتاری آن جامعه را ترسیم می‌کند. به نظر او انسان نوعی نیاز معنوی مبرم در خود احساس می‌کند و برای برآوردن این نیاز به افسانه‌سرایی می‌پردازد (اخلاقی، ۱۳۹۰). اسطوره‌ها و حماسه‌ها باهم ارتباطی منسجم دارند. «حماسه، زاییده اسطوره است و اسطوره به مامی پرورنده می‌ماند که حماسه را می‌زاید و آن را در دامان خویش می‌پرورد و می‌بالاند. حماسه راستین و بنیادین جز از دل اسطوره بر نمی‌تواند آمد. تنها در فرهنگ و ادب مردمانی پدید می‌آید که دارای تاریخ کهن و اسطوره‌ای دیرینه‌اند» (کزازی، ۱۳۷۶).

### شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی از حماسه‌های ملی ایرانی است که وجود اسطوره را از اولین پادشاهی جهان تا اتمام پادشاهی کیخسرو در آن می‌بینیم. فردوسی شاهنامه را در قالب شصت هزار بیت مثنوی به زبان فارسی سروده است. شاهنامه با زبانی صریح و روان و با وجود داشتن شخصیت‌های حماسی و داستان‌های تاریخی از کتب محبوب ایرانیان هست. فردوسی از منابع مختلف جهت



بازگو کردن افسانه‌ها و اسطوره‌های پیش از زرتشتی بهره برده است مانند خداینامک که به زبان پهلوی سروده شده است. «روایات شاهنامه را می‌توان به سه دوره‌ی اساطیری، پهلوانی و تاریخی، تقسیم کرد. دوره‌ی اول از عهد کیومرث تا ظهور فریدون، دوره‌ی دوم از قیام کاوه تا قتل رستم و دوره‌ی سوم از اواخر عهد کیان به بعد را دربرمی‌گیرد، هرچند این قسمت نیز با افسانه‌ها و داستان‌های حماسی درآمیخته است. از دست‌نوشته‌های اصلی فردوسی، اثری یافت نشده است و نخستین نسخه‌های بازمانده از شاهنامه که بیش از دو سده پس از سرایش آن تحریر شده‌اند، با هنر خوشنویسی جلوه یافته و فاقد تصویرند. برای مثال کهن‌ترین دست‌نویس موجود از شاهنامه، متعلق به سال ۶۵۴ هجری است که در کتابخانه‌ی ملی شهر فلورانس در ایتالیا با نشان Ms.Cl.III.24.(G.F.3) محفوظ است. این نسخه دارای ۵۶۲ برگ و فاقد تصویر است» (جهاندار، ۱۳۹۵). شاهنامه فردوسی به لحاظ تاریخی محصول دوره فرهنگی سامانیان است که به هویت ایرانی از نظر زبان فارسی دری و تبارگرایی باستانی تأکید می‌ورزیدند با این وجود، زمانی که فردوسی، شاهنامه را به پایان رساند، یعنی سال ۴۰۰ هجری قمری سلسله غزنوی قدرت غالب بود. فردوسی آن‌قدر زنده نماند تا تأثیرات سیاسی و فرهنگی اثر خود را ببیند اما در سده‌های بعدی شاهنامه سخنگوی آرمان‌های ایرانیان در مقابله با اقوام مهاجم گردید (آژند، ۱۳۸۷). ژول مول می‌نویسد: پس از فتح ایران، طبیعتاً جایی که بیشتر اعراب در آن استقرار یافتند، ایالت‌هایی بود که به عربستان نزدیک‌تر بود. در این مناطق، زبان پهلوی کاملاً جای خود را به زبان اعراب داد؛ اما در ایالت‌های شرقی وضع تفاوت داشت. باینکه زبان عربی جایگزین زبان پهلوی شد اما کاملاً سطحی بود. زبان نوشت و خواند، عربی و فارسی، زبان گفتگو بود. از این رو پیروزی اعراب، قطعی و نهایی نبود زیرا زبان، نگهدار یادبودهاست و این است که به ملت‌ها روح ملی و میهنی می‌بخشد (مول، ۱۳۶۵). در این دوران، اگرچه ایرانیان، دین اسلام را پذیرفتند، اما فرهنگ حاکمان عرب را نپذیرفتند و دین جدید را در فرهنگ دیرین خود جای دادند. در این دوران، ایرانیان توانستند هویت و فرهنگ خود را با آفرینش‌های ادبی و هنری حفظ کنند که جلوه‌های آشکار آن باگذشت زمان و از سده‌ی سوم هجری به بعد در ادب و اندیشه‌ی ایرانی، آشکار شد. به طوری که حتی میهن‌پرست پرشوری همچون فردوسی توسی نیز در کنار ستایش آیین‌های کهن ایران به باورهای شیعی خود اذعان دارد. (جهاندار، ۱۳۹۵).

### کیومرث

وجود اسطوره‌ها در شاهنامه بر پایه اعتقادات مذهبی مردم ایران باستان هست و مبنای حماسی اولین انسان آفرینش جهان، کیومرث همین باورها بوده است. کیومرث در شاهنامه بر اساس باورهای اسطوره‌ای ایرانیان نخستین انسان و پادشاه معرفی شده و اسطوره‌ای به یادماندنی از پیش از اسلام هست که از متون پهلوی به متون اسلامی راه یافته است. در گزارش‌های دوره اسلامی، کتاب تاریخ بلعمی قسمت کیومرث چنین آمده است که در آن هنگام که او را نخستین آفریده دانستند و سپس برای سرپرستی آریاییان به کوه اندرون جای داده‌اند، جای او را به بلخ و دماوند داده‌اند و برای غلبه پاک‌دینی را (و



غلبه هرمزد بر اهریمن را) کیومرث بر گرده اهریمن سوار می شود و به اطراف واکناف عالم می گردد و با وصف مقهور شدن به دست اهریمن، از طریق ایجاد نسل، جاودانه می شود. اندر هزاره هفتم نخستین جاننداری که خدا آفرید مردی بود و گاوی، نام مرد کهومرث بود و بالایش برابر پهنایش بود نام گاو ((ایود آد)) بود و بالایش بمانند کیومرث بود. کیومرث، نطفه همه آدمیان بود و زمین و گاو و گیاه را همی داشت (ضیاء پور، ۱۳۷۶). در متون زرتشتی از کیومرث به عنوان اولین انسان و شهریار نام برده شده است. در نامه ی دینکرد، کیومرث بدین گونه معرفی می شود: «آن نخستین پذیرنده ی دین از دادار، کیومرث است که بن مردم است. او به کنش دین در جهان و سامان بخشی و آراستن و رواج بخشیدن آفریدگان، نخستین گل شاه بود» (مدرسی، ۱۳۸۴). در حماسه ی ملی ما، شاهنامه، نخستین انسان اساطیری که زمانی بندهشی و سرمدی بوده، دگرگون گشته و تبدیل به تاریخ شده است و نخستین شهریار می گردد و درجایی از او گل شاه یعنی شاه گل ها و در متون اسلامی او را معادل حضرت آدم نامیده اند. مدت زمان پادشاهی او سی سال بوده و در کوه ها مسکن ساخته و تن پوشی از پوست حیوانات به تن می کرده است (همان، ۱۳۸۴). در بسیاری از کتب کهن از او به عنوان فره ایزدی نام برده اند. «سرچشمه فره ایزدی در اساطیر ایرانی به کیومرث می رسد» (پرنیان و شهرزاد، ۱۳۹۱).

### شاهنامه ابراهیم سلطان و نگاره بارگاه کیومرث

کتاب شاهنامه دست نویس ابراهیم سلطان از آن سر گور اوزلی دیپلمات انگلیسی بود. او فرهنگ ایرانی را در مدت زمان بیست سال زندگی در هندوستان آموخت و در سال ۱۸۱۰ میلادی مسئول سفارت بریتانیا در ایران شد. در سال ۱۸۸۵ کلکسیون شخصی کتاب های دست نویس سر گور اوزلی را که شامل ۳۵ کتاب دست نویس و از جمله شاهنامه دست نویس ابراهیم سلطان بود، پس از مرگ او از بازماندگان او توسط دانشگاه کمبریج خریداری شد. «در حال حاضر شاهنامه دست نویس ابراهیم سلطان با شماره Ms Ousley Au ۱۷۶ در کتابخانه بودلیان دانشگاه کمبریج نگهداری می شود. شاهنامه دست نویس ابراهیم سلطان دارای ۴۸۶ برگ (۹۳۶ صفحه) در اندازه ۱۹.۸ در ۲۸.۲ سانتی متر (که تقریباً اندازه یک صفحه T4 است) هست. هر صفحه دارای ۳۱ خط و در ۴ ستون نوشته شده است. با در نظر گرفتن فضاهای مخصوص نوشتن سرلوحه ها و همچنین نقاشی ها نویسندگان چنین می پندارند که این شاهنامه دارای ۵۰ هزار بیت است این شاهکار هنری دارای ۱۷۶ مینیاتور میباشد» (متقالچی، ۱۳۸۹). ابراهیم سلطان در کتاب آرای، به آرمانهای ایرانیان توجه داشت و آثاری که برای کتاب آرای انتخاب می شد با گزینش او بود و ترجیح می داد نسخه های حماسی و تاریخی را انتخاب کند. «برخی از پژوهشگران، این انتخاب را ناشی از تأثیرپذیری وی از بایسنقر میرزا می دانند» (جهاندار، ۱۳۹۵). «ویژگی سبکی دوره ی ابراهیم سلطان در شاهنامه و ظفرنامه بیشتر به چشم می خورد» (آژند، ۱۳۸۷).





تصویر ۱) بارگاه کیومرث، شاهنامه ابراهیم سلطان، دانشگاه آکسفورد، (Abdullaeva، 2008)

## موضوع نگاره

کیومرث بارگاه خود را در بالای کوه برپا کرد و در دوره حکومتش در همه جا حکم فرما بوده و در پناه او حتی حیوانات نیز در امنیت و آسایش زندگی می کردند تا این که اهریمن علیه او دست به توطئه زد و شر و ناپاکی را در دین های پاکی ها راه داد. فرشته نیکی کیومرث را از این خطر نابهنگام آگاه ساخت و پسر شاه (سیامک) به جنگ دیو سیاه، پسر اهریمن رفت و در نبردی که انجام داد توسط او کشته شد. فردوسی در مورد کیومرث چنین سروده است.

سخن گوی دهقان چه گوید سخن	که تاج بزرگی به گیتی که جست
که بود آنکه دیهیم بر سر نهاد	ندارد کس آن روزگاران به یاد
مگر کز پدر یاد دارد پسر	بگوید ترا یک به یک ، در به در
که نام بزرگی که آورد پیش	که را بود از آن مهتران مایه پیش
چنین گفت کابین تخت و کلاه	گیومرث آورد و او بود شاه
که خود چون شد او بر جهان کدخدای	نخستین به کوه اندران ساخت جای



سر تاج و تاختش برآمد ز کوه  
از او اندر آمد همی پرورش  
دد و دام و هر جانور کس بدید  
پلنگینه پوشید خود با گروه  
که پوشیدی نو بد و نو خروش  
ز گیتی به نزدیک او آرמיד (فردوسی، ۱۳۶۶).



تصویر ۲) قرار گرفتن عناصر حول دایره

## تحلیل نگاره

در بررسی نگاره بارگاه کیومرث مشاهده می‌شود که مجلس شاهی در دل طبیعت رخ می‌نماید. برخلاف دیگر نگاره‌ها که در خصوص سلاطین و پادشاهان است نگارنده در اینجا از تخت پادشاهی و تجملات و تزئینات بهره نبرده است و درمیانه دو درخت، بر روی صخره‌های موج و بر پوست بیر جایگاه کیومرث ترسیم شده است. شاید دلیل این موضوع رجوع و مدنظر قرار دادن متن و وفاداری به آن توسط شخص نگارگر باشد. تصویر کیومرث در مرکز تابلو با کادری حدوداً مربع شکل قرار گرفته و جلب توجه می‌نماید. فیگورهای مردم و حتی پیکره شیر به صورت نیم‌دایره‌ای که خود تصویر کیومرث در وسط این نیم‌دایره قرار گرفته مثال‌نگین‌انگشتی نمایانده شده است (تصویر ۲). نگاه بیننده بعد از کیومرث به وجود شیر که در کشیدن آن دقت خاصی انجام شده می‌افتد. آرامش در ترسیم چهره به وضوح قابل نمود است. در کشیدن اندازه بدن شیر نسبت به فیگور انسان‌ها اغراق شده است. در ترسیم شیر در کنار شاه شاید اذهان مردم که شیر را به عنوان سلطان می‌شناختند، پس آن را با پادشاهان و سلاطین در ارتباط می‌دانستند. نگارگر تلاش کرده در طراحی شیر نسبت به تمامی صحنه قدرت و قوت بیشتری دهد. در حالی که شیر نماد عظمت، قدرت، دلیری هست در این نگاره تسلط شاه بر شیر دیده می‌شود البته نه



تسلط از نوع زورگویی بلکه مراد و مریدی. در این نگاره تعدادی از افراد در جشن با پیکره های درشت و لباسی ساده و هدایایی که شامل گلها و گیاهان دارند ترسیم شده و حضور چهره های سفید و سیاه خود مؤید این نکته است که مردمانی از هر مناسک و اقوام در این جشن حضور دارند که مفهوم اتحاد را تداعی می کند. در خصوص ترسیم پیکره ها پاکباز عقیده دارد در شاهنامه ابراهیم سلطان پیکره های درشت و سرزنده ای را در مناظر ساده می توان یافت و طراحی در آن قوی تر و رنگ ها خاموش تر استفاده شده اند. علاوه بر این، عناصر نوشتاری در کل ترکیب بندی از اهمیت خاصی برخوردارند (پاکباز، ۱۳۸۷). در این نگاره کیومرث بر روی پوستینی از ببر و بالباس پلنگینه که بر روی سرش نیز کلاهی از پوست پلنگ ترسیم شده است. کیومرث تنها شخص پلنگینه پوش در نگاره هست که نمایانگر تهايز و قدرت شاهی او هست. این تابلو دارای افق رفیع بوده و نحوه نشستن کیومرث در میانه تابلو از سنت شاهان دوره ایلخانی مکتب شیراز الگو گرفته شده است. نگارنده سعی نموده از رنگ های مکمل طلایی و بنفش استفاده نماید که نسبت به دیگر نگاره های شاهنامه ابراهیم سلطان در این نگاره از رنگ کمتری استفاده شده است. رنگ طلایی بر روی لباس و شیر و آسمان، نماد قدرت، معنویت، سخاوت و شعور بالا را تداعی میکند. رنگ آبی در صخره ها که حالت ابرگونه دارد القاکننده سیال بودن و معلق بودن در هوا است و به عرفانی بودن موضوع کمک میکند. وجود دو درخت متفاوت، تنوع گیاهی را در عین سادگی نشان دهد و همچنین بر بدوی بودن و انسان نخستین بودن کیومرث تأکید کند.

### نتیجه گیری

حاکمان تیموری برای تبدیل شدن دربارشان به مکانی فرهنگی از طریق حمایت وسیع و گسترده خود از هنر که نشان قدرت و منزلت بود به دربارشان، موقعیت و اعتبار فرهنگی لازم را می دادند. نتیجه این اعتبار فرهنگی رسیدن به قدرت و توانایی تسلط بیشتر بود. با توسعه این سیاست ها آنان بر حق بودن حکومت خود را در سرزمین هایی چون ایران افزایش می دادند. تمایلات، گرایش های دینی حاکم و موقعیت اجتماعی به همراه مسائل تاریخی و اسطوره ای و حماسی دوران سلطنت ابراهیم سلطان بر روند اجرایی نگاره های شاهنامه تأثیرگذار بوده است. لذا نگارگران ضمن بهره بردن از اسطوره های ایران باستان در راستای شرایط خاص جامعه خود به همراه ذهن حماسه سرا به کشیدن نگاره ها پرداخته اند نه تصورات ذهنی خویش. آنها تلاش نموده اند تا از طریق فرم، رنگ و نمادها در عین سادگی به بحث اسطوره ای بودن و بدوی بودن اسطوره کیومرث بپردازند و در شیوه نگارگری خود از شیوه ای ایرانی استفاده کرده اند.



## منابع

- آشتیانی، منوچهر، ۱۳۸۳، جامعه‌شناسی شناخت، تهران، نشر قطره، چاپ اول.
- آریا پور، امیرحسین، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی هنر، تهران، نشر گسترده، چاپ چهارم.
- آژند، یعقوب، ۱۳۸۷، مکتب نگارگری شیراز، تهران، فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب، ۱۳۸۷، مکتب نگارگری هرات، تهران، فرهنگستان هنر.
- الیاده، میرچا، ۱۳۸۲، اسطوره رؤیا راز، ترجمه رؤیا منجم، علم
- اسپنانی، غلامرضا، بررسی تأثیرات عوامل اجتماعی دوران صفوی بر آثار نقاشی سیاوش بیک گرجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی تجسمی گرایش نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی اصفهان، ۱۳۹۳
- افراسیابی درسا و علیزاده، سیامک، مطالعه تطبیقی دوناگاری جنگ اژدها با رستم/اسفندیارد در مکتب شیراز در دوره‌ی آل اینجو و تیموری، هنر و معماری، نشریه پیکره، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ۶۳ - ۷.
- پاکباز، رویین، ۱۳۸۷، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، زرین و سیمین.
- پرینان، موسی و بهمنی، شهرزاد، بررسی و تحلیل نمادهای بخش اساطیری شاهنامه، نشریه: متن شناسی ادب فارسی، شماره ۱۳، ۱۳۹۱، ۹۱ - ۱۱۰.
- جهاندار، حوریه، مطالعه و شناسایی جنبه‌ی بیانگری نگاره‌هایی از شاهنامه‌ی ابراهیم سلطان و محمد جوکی با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی و هنری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم نظری و مطالعات عالی هنر، ۱۳۹۴
- رستگاریان، مژگان، مطالعه تطبیقی مجلسی از سه شاهنامه برادران تیموری با رویکرد تاریخ اجتماعی، پایان‌نامه‌ی تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی هنرهای کاربردی، ۱۳۹۴
- سمائی دستجردی، معصومه والهیاری، فریدون و فروغی ابری، اصغر، بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان، نشریه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۹، ۱۳۹۵، ۸۱ - ۱۰۶
- شایسته فر، مهناز، رابطه مذهب و نگارگری دوره تیموریان و اوایل صفوی، مدرس، دوره ۴، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، ۲۵ - ۴۰.
- طحان، احمد، بررسی تطبیقی آیین‌ها و اسطوره‌ها، پایان‌نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵
- ضیاء پور، جلیل، کیومرث نخستین بشر آریایی، هنر و مردم، شماره ۴۴، ۱۳۷۶، ۱۴۹ - ۴۷.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۶۶، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ناشر Bibliotheca Persica، نیویورک.
- کزازی، میر جلال‌الدین، ۱۳۷۶، رؤیا حماسه اسطوره، چاپ مرکز، تهران.
- مقالچی، محمود، شاهنامه دست‌نویس ابراهیم سلطان، بخارا، سال دوازدهم، شماره ۱۴۷، ۱۳۹۸، ۷۵ - ۱۵۲



مچکلو، شهلا، سیر تاریخی و عوامل تحول و تطور هنر نقاشی در دوره تیموری، پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۷

مدرسی، فاطمه، اسطوره کیومرث گل شاه، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دوره بیست‌ودو، شماره سوم، ۱۳۸۴، ۱۵۲ - ۱۶۴.

مول، ژول، ۱۳۶۵، دیباچه‌ی شاهنامه، جهانگیر افکاری، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران.

میر جعفری، حسین، ۱۳۷۹، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان

واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف، ۱۳۷۹، خلد برین، به کوشش هاشم محدث، روضه ۶، تهران.

Abdullaeva, Firuza. Melville, Charlez. (2008). Ibrahim Sultans Shahnama The Persian book of kings. Text Bodleian Library. University of Oxford